

با قانون زندگی کنیم

دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.

● ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی ●

اینفوگرافیک

صفحه ۴
شماره ۱۸۳۲
سال بیست و دوم

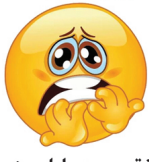
بیاید برای نجات زمین، پسماند کمتری تولید کنیم.



دو زمان خرید به چی فکر می کنیم؟!



تجمل گرایی دوست داریم؟!



از تعمیر وسایلمون ترس داریم؟!



از هده ده دادن بدمون میاد؟!



هنگام خرید برای راحتی خود از چندین کیسه نایلونی استفاده می کنیم؟!

پرهیز از اسراف و خرید به اندازه نیاز

- وقتی به خرید می روید چندین برابر نیازتان خرید می کنید؟

- روزانه یا هفتگی چقدر میوه و خوراکی که فاسد شده اند یا تاریخ مصرفشان گذشته را دور می ریزید؟

- آیا به اندازه نیازتان بخت و بیز می کنید؟ آیا به اندازه اشتها یا نیازتان در شقیب غذایی ریزید؟ با باقی مانده مواد غذایی به طرفتان چه می کنید؟

استفاده مجدد از کالاها

- چند وسیله قابل تعمیر در منزل دارید؟

- وسایل قابل تعمیر را دور می ریزید یا تعمیر می کنید و دوباره استفاده می کنید؟

پرهیز از تجمل گرایی

- به نیاز واقعی خود فکر می کنید؟

- چه ابزار و وسایلی در یک سال اخیر در منزل شما استفاده نشده و فقط در خانه ابرار شده است؟!

استفاده از کالاهای بادوام و با کیفیت

- آیا برای شما استفاده از محصولات با کیفیت و بادوام اهمیت دارد؟ چرا؟

- به این فکر کنید کدام یک بهتر است؟ خرید باطری های قابل شارژ یا باطریهای یکبار مصرف؟!

- خرید محصولات گارانتی دار چه تأثیری بر روی کاهش میزان پسماند دارد؟

پرهیز از بسته بندی های غیر ضروری

- به نظر شما کدامیک به حفظ منابع طبیعی و جلوگیری از اسراف کمک می کند؟ انتخاب اقلامی با حداقل بسته بندی یا بسته بندی های افراطی؟!

فروش و یا اهدای اجناس به جای انبار کردن یا دور ریختن آنها

- آیا می توانید برخی وسایلی که به کارمان نمی آید ممکن است برای دیگری مفید باشد؟

- آیا شما هم وسایلی که دیگر استفاده ندارند در منزل نگه می دارید؟

استفاده از ظروف بادوام به جای ظروف یکبار مصرف حتی در تقریحات، مسافرت ها و در مهمانی های شلوغ

- آیا تا به حال حجم مواد دورریز بعد از یک مهمانی دقت کرده اید؟

- آیا می توانید در شیراز روزانه بیش از ۲۵ تن ظروف یکبار مصرف دورریز می شود؟

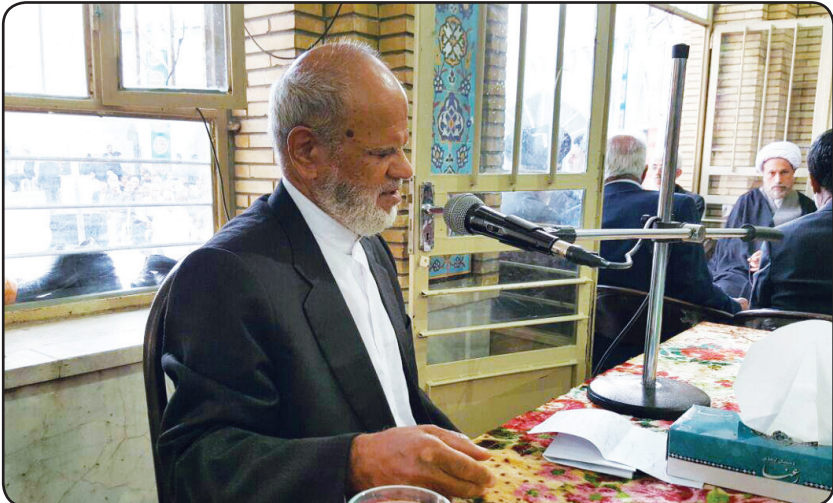


قسمت پنجم

خورشید فروزان آسمان حکمت و فضیلت

گذری بر حیات پر بار علامه سید محمد حسین طباطبایی (رحمه الله علیه)

نویسنده: شکرالله جهان مبین / مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چهرم / و بهره مند از محضر علامه طباطبائی در دهه ۱۳۴۰



که در نجف آمده در منزل ما، تاریخ فوت را نگاه کردم دیدم حدود ۳۰۰ سال قبل است. یکی دیگر از مسائلی که روشن نشده بود این بود که شاه حسین ولی گفته بود خداوند فرموده ۱۸ سال تو را گرسنه نگذاشته ام، ولی مبدا این تاریخ کجاست؟! چون حدود ۹ سال بیشتر نیست که در نجف و حدود ۲۵ سال است که درس می خوانم، پس مبدا این تاریخ کجاست؟! وقتی فکر کردم متوجه شدم که درست ۱۸ سال است که من معتم شده ام و به لباس سرپازی امام زمان (عج) در آمده ام. ۵. علامه می فرمودند: پس از ارتحال مرحوم قاضی روزی مشغول نماز بودم اما تحت الحنکم را (که گشودن آن مستحب است) باز نکرده بودم، ناگاه دیدم آقای قاضی تشریف آوردند و در همان حال که من به نماز ایستاده بودم تحت الحنکم را باز کردند و رفتند. این است نمونه ای از توجه یک استاد عارف به عینامی شگفت انگیز.

روضة خوانی می شد و ثانیاً معمولاً در ایام سوگواری حضرت سید الشهداء (علیه السلام) که در حسینیه آیت الله العظمی مرعشی (ره) روضه خوانی می شد شرکت می کرد و با شنیدن ذکر مصائب اشکش سرازیر می شد، به طوری که نه تنها محاسن مبارکش بلکه دستمالی هم که به دست شریفش بود از اشک چشمانش خیس می شد. و باز شخصاً چندین بار شاهد بودم وقتی آن مرحوم وارد صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله تعالی علیها) می شد با دست لرزان آستانه مقدس در ورودی را می گرفت و می بوسید و چه بسا اشک می ریخت این دو نمونه و ده ها نمونه دیگر که از دیگران در این رابطه شنیده ام همگی بیانگر دلچسپی آن مرحوم به اهل بیت (علیهم السلام) است. ۳. رقت قلب، گریه به وقت خواندن قرآن مجید به ویژه آیات توبه، غضب و رحمت و نیز شنیدن مدایح و یا مصائب اهل بیت (علیهم السلام). ۴. شرح صدر، صبر بر مصائب، تحمل شنیدن اهانتها، داشتن روحیه گذشت و کتمان سر.

۵. تواضع علمی، عدم تظاهر به علم و متقابلاً تواضع علمی و گفتن نمی دانم در پاسخ پرسشی که نمی دانست، انصاف علمی، روحیه علمی، روحیه نقادی و نقد پذیری، عدم عصبانیت در بحث و سخن گفتن به میزان درک شنونده. برای نمونه عرض می کنم؛ در یکی از روزهای سال ۱۳۴۴ که افتخار شرفیابی به محضر استاد علامه طباطبائی را داشتم سوالات متعددی از آن جناب به ویژه درباره جن کرم و پاسخ های مناسبی در خور فهم خویش شنیدم و در پایان سوال ها و جواب ها، آن مجسمه اخلاق با یک دنیا وقار و سکینه در حالی که تبسم ملیحی بر لب داشت فرمود: فلائی البته من جن نیستم و پاسخ هایم درباره آنها بر گرفته از آیات و روایات اهل بیت (علیهم السلام) بود. ۶. قدرشناسی از اساتید خود و همچنین احترام به شاگردان خویش و نیز احترام به صاحبان دانش که خاطره بعد نمونه ای از آن است.

ادامه دارد...

من یک روز به ایشان عطر تعارف کردم، ایشان عطر را به دست گرفته و تاملی کردند و گفتند: دو سال است که استاد ما مرحوم قاضی رحلت کرده اند و من تا به حال عطر نزنده ام و تا این زمان اخیر من ندیده ام که ایشان عطر استعمال کنند با اینکه از زمان رحلت سنی و شش سال است که می گذرد. ۱۰. آیت الله شیخ محمد حسن معزّی تهرانی نقل کرده است که کسی از مرحوم آقا میرزا علی قاضی سوال کرد: پس از خود چه کسی را جانشین قرار می دهید؟ ایشان فرموده بود: « این سفره ای بود که برچیده شد، حال اگر کسی را می خواهید، آقا سید محمد حسین طباطبائی تبریزی فرد شایسته ای است. »

۱۱. آیت الله امینی نوشته است؛ مرحوم علامه می گوید: مرحوم قاضی به آن دسته از شاگردان خود که اعتماد داشت، در مقوله های توحید تکلم می کرد و با هر کدام به مقتضای استعداد و حالات و رفتار، مختلف سخن می گفت. و علامه طباطبائی نیز چنین بود یعنی مراتب استعداد افراد را برای درک معارف و مطالب علمی رعایت می فرمود و گاهی یک مطلب را با عبارات مختلف برای اشخاص متفاوت بیان می کرد. عدل تقصیر: (اذعان داریم که نوشته ها هرگز نمی توانند ابعاد علمی و اخلاقی و معنوی علامه طباطبائی را به طور کامل منعکس سازد لذا به ناچار به ذکر گوشه هایی از آن ها بسنده شد). یک دهان خواهم به پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشک ملک و در دهان یام چنین و صد چنین تنگ آید در بیان آن امین این قدر هم گر نگویم این سند شیشه دل از ضعیفی بشکند.

ب) از زبان علامه عنایات عیبی به علامه

۱. من نیز به مانند بسیاری در مسیر زندگی یا فراز و نشیب های گوناگون رو برو شده، در محیط های رنگارنگ قرار گرفته ام ولی پیوسته حس می کردم که دست ناپیدایی مرا از هر پرتگاه خطرناکی نجات می دهد و جاذبه مرموزی از میان هزارها مانع بیرون کشیده به سوی مقصد هدایت می کند. من اگر خارم و گر گل چمن آرای هست که از آن دست که می پروردم می رویم در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این رو هر چه می خواندم نمی فهمیدم، چهار سال بدین متوال گذرانیدم پس از آن یک باره عنایت خدایی دامنگیرم شد و عوضم کرد. ۲. به یاد دارم هنگامی که در نجف اشرف تحت تربیت اخلاقی و عرفانی مرحوم حاج میرزا علی قاضی (رضوان الله علیه) بودیم، سحرگاهی پیر بالای بنام پیر سجاده عبادت نشسته بودم در این موقع نعامی (چرت و خواب سبک) به من دست داد و مشاهده کردم دو